

رندان جرعه نوش

خاطرات رزمندہ سلحشور، حاج حمید شفیع
از دوران دفاع مقدس

انتشارات سماء قلم

به کوشش:
محمد دانشی

شفیعی، حمید، ۱۳۳۸ -

رندگان جرعه‌نوش: خاطرات بسیجی سلحشور حاج حمید شفیی از دوران دفاع مقدس / محمد دانشی - قم، سما قلم، ۱۳۸۴.

۲۲۴ ص.

۱۵۰۰۰ ریال:

ISBN: 964 - 8536 - 40 - X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شفیی، حمید، ۱۳۳۸ - خاطرات. ۲. جنگ ایران و عراق،

۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - خاطرات. الف. دانشی، محمد، ۱۳۲۳ -

ویراستار. ب. هنوان.

۹۹۵ / ۸۳۳

DSR ۱۶۲۹ / ش ۶۶ آ ۳

م ۸۴ - ۱۶۴۶۸

کتابخانه ملی ایران



سما قلم

رندگان جرعه‌نوش

خاطرات رزمنده سلحشور حاج حمید شفیی

از دوران دفاع مقدس

نویسنده: حمید شفیی / تنظیم کننده: محمد دانشی / ناشر: سما قلم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴ / شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه / قیمت: ۱۵۰۰ تومان

964 - 8536 - 40 - X

۹۶۴-۸۵۳۶-۴۰-X

شابک:

این کتاب با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان چاپ گردیده است.

مراکز پخش:

قم، خیابان صفایه، کوچه‌ی ممتاز، فرعی سوم سمت چپ، پلاک ۱۰، تلفاکس ۷۷۴۸۳۹۹

تهران، میدان انقلاب، مسجد حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) (درب پشت مسجد)، طبقه‌ی چهارم، تلفن ۶۶۹۰۳۹۸۹

مشهد، خیابان خسروی نو، کوچه‌ی آیت ا... خامنه‌ای مقابل فضای سبز، تلفن ۲۲۱۹۸۹۸

کرمان، بلوار شهید عباسپور، جنب مصلی اداره کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تلفن ۲۷۱۷۴۴۰

همراه: ۰۹۱۲۳۵۱۶۷۵ E_mail: sama_112@yahoo.com

بسمه تعالی

خاطرات جنگ گنجینه‌ی تمام نشدنی برای آیندگان است.

«مقام معظم رهبری»

مقدمه: (سخنی با خواننده)

تاریخ دفاع مقدس سرشار از ایثار و فداکاری دلیر مردانی است که برای حفظ آرمان‌های اسلام و دفاع از کیان ایران اسلامی قهرمانانه ظهور کردند. فرزندان خمینی کبیر (ره) در اوج آتش و خون همچون یاران سیدالشهدا ایثار کردند و غزل مقاومت و عشق‌بازی با خدا را در این معرکه برای همگان سرودند و هر کدام ستاره درخشانی شدند در آسمان ایران اسلامی و جهان اسلام تا آیندگان با نورشان راه حقیقت و معنویت را بپیمایند. بحق این قهرمانان اسطوره‌هایی بودند که دل‌هایشان سرشار از ایمان، معنویت و انگیزه دینی بود. این اسطوره‌ها برای این ملت فراموش ناشدنی هستند.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان به منظور ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه و انتقال خاطرات و ایثارگری‌های پیشکسوتان جهاد و شهادت، قهرمانان این حماسه عظیم با بهره‌گیری از اساتید مجرب و نویسندگان متعهد، تألیف و تدوین کتاب‌های دفاع مقدس را در قالب‌های متنوع از جمله داستان، خاطره و... در دستور کار خویش قرار داده که کتاب حاضر تحت عنوان «رندان جرعه نوش»

شامل خاطرات جناب آقای حمید شفیعی نمونه‌ای از این مجموعه می‌باشد.

امید است که چاپ و انتشار این نوشته‌های ارزشمند گامی مؤثر در جهت مصون سازی جامعه اسلامی از خطر بزرگ بی‌هویتی و خودباختگی فرهنگی باشد. با آرزوی آن که خوانندگان عزیز ضعف‌ها و کاستی‌ها را به دیده اغماض بنگرند و ما را در ادامه این مسیر از راهنمایی‌ها و پیشنهادات خویش بهره‌مند سازند.

مدیر کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کرمان

سرهنگ پاسدار مهدی صدیقی

فهرست

پیشگفتار	۸
خاطرات سربازی	۱۵
آغاز حمله عراق و حرکت به سوی جبهه‌های غرب و جنوب	۳۱
اعزام به جنوب	۴۵
عملیات حصر آبادان	۵۳
عملیات رمضان	۶۵
عملیات والفجر مقدماتی	۷۹
عملیات منطقه فکه (والفجر ۱)	۸۵
عملیات والفجر ۳	۹۵
عملیات والفجر ۲	۱۰۷
عملیات خیبر	۱۱۷
عملیات بدر	۱۲۵
خاطرات شلمجه	۱۳۳
خاطرات هورالعظیم	۱۳۹
عملیات والفجر ۸	۱۵۵
عملیات کربلای ۲	۱۶۹
عملیات کربلای ۵	۱۸۳
عملیات والفجر ۱۰	۱۹۱
عملیات مرصاد	۲۰۱

پیشگفتار

قصه‌ی پرستوهای عاشق؛ زبانزد است. هر جای تاریخ که درخشندگی و تلألؤ خودنمایی می‌کند، به نوعی قصه‌ی پرستوهای عاشق است.

آن جا که مردانی از عشیره‌ی عشق برای گسترش عبودیت و انسانیت فداکاری کرده‌اند، تاریخ، جان تازه‌ای گرفته است. و زمانی که شیاطین انس دست در دست هم برای رسیدن به اهداف پلید خود انسان‌های بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند؛ چهره‌ی تاریخ سیاه شده و عرق شرم بر جبین آن می‌نشیند.

آن زمان که راست قامتان تاریخ در مقابل حیوان‌های آدم نما قد علم می‌کنند و اجازه دست اندازی به حریم انسانیت را نمی‌دهند؛ و آن زمان که انسان‌ها برای نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین، خون خود را بر زمین می‌ریزند، اوج زیبایی تاریخ است.

مبارزات پیامبران و جان‌نشینان آن‌ها، به ویژه حرکت خون بار امام حسین علیه السلام برای احقاق کلمه حق، در آن عاشورای سرخ، چون خورشیدی بر تارک تاریخ می‌درخشد.

اجقاق کلمه حق، در آن عاشورای سرخ، چون خورشیدی بر تارک تاریخ می درخشد. اقتداکنندگان به امام حسین علیه السلام برای آبیاری درخت توحید و اسلام، کم نیستند. و اینک آنچه در این کتاب می خوانید؛ قصه‌ی غصه‌گروهی دیگر از پرستوهای عاشقی است که به رهبری امام و مقتدای خود، بزرگ مردی از تبار امام حسین علیه السلام، قد علم کردند و در مقابل گردن‌کشان و انسان ستیزان شیطان صفت، ایستادند و برگ زرین دیگری بر کتاب تاریخ بشریت افزودند.

چهره‌ها، حرکت‌ها، نیت‌ها و کلیه تاکتیک‌های آن عزیزان، الگو گرفته از مبارزان عاشورا بود. در شهادت از یکدیگر سبقت می‌جستند و اقامه نماز در بحبوحه‌ی جنگ، دغدغه‌اولیه‌ی آن‌ها بود.

می‌توان ادعا کرد که پرستوهای عاشق امام خمینی رحمه الله، بعد از واقعه کربلا نمونه‌ای عالی از عاشورا را در تاریخ تکرار کردند. آن‌ها فرزندان مادرانی بودند که با دست خود لباس رزم بر تن فرزندشان پوشاندند.

آن هنگام که مادری در پشت جنازه‌های سه فرزندش با یک دنیا آرامش و متانت حرکت می‌کرد، تاریخ دست و پای خود را گم می‌نمود و آن زمان که پدری رزمنده در یک لحظه دو فرزندش جلو چشمش در جبهه به شهادت می‌رسیدند و او با دریایی از استقامت، چشم‌های آن‌ها را می‌بست و دست‌ها را به دعا برداشته و می‌گفت: خدایا! این قربانی‌ها را از ما قبول فرما؛ استقامت در مقابلش به خاک می‌افتاد.

لقب پرستوهای عاشق از آن این عزیزان و همه کسانی است که بدون هیچ گونه ادعا و انگیزه مادی و فقط برای دفاع از دین و ناموس و وطن خود جان را در طبق اخلاص گذاشته و توانستند آزادی و انسانیت را برای هم‌میهنان خود به ارمغان آورده

و دشمنان دین و انسانیت را مرعوب و منکوب سازند.

یاوران امام خمینی در طول ۸ سال دفاع مقدس هم چون رهبرشان، صولت حیدری و شجاعت حسینی را جمع کرده و یک پارچه آتش فهر خدا بودند و خود را بر سپاه کفر می زدند و آن ها را تار و مار می کردند.

این وارثان حضرت آدم علیه السلام، گویی عصای موسی علیه السلام را در دست داشتند و با آن اروند سرکش را رام می کردند و با نفس مسیحایی خود ترفندها و سلاح های مدرن دشمن را از کار می انداختند.

آنان تجسم صبر ایوب و صبر امام علی علیه السلام بودند و در اوج بعضی شکست ها با صبر و استقامتشان، مبنای حرکت جدیدی را در حمله می گذاشتند.

صولت حیدری را در الله اکبرهای خود چنان به نمایش می گذاشتند که مثل برق دشمن را می گرفت و هر نوع حرکتی را از او سلب می کرد.

کورددلان و غفلت زدگان و تفاله های مستکبران تاریخ بداندند که راز نخل های سربه زیر و قصه ی پرستوهای عاشق از بین رفتنی و فراموش شدنی نیست بلکه آن ها، همچون اربابان پلیدشان در زیاله دان تاریخ دفن می گردند.

هدف از این نوشتار و امثال آن شرح ایثار و شهادت آنانی است که هیچ گاه فراموش نخواهند شد.

و حاج حمید شفیعی، رادمردی از تبار پرستوهای عاشق، و دل سوختگان معرکه عشق، به یاد هم رزمان خود با دستی لرزان و چشمی گریان صفحاتی را با ذکر خاطرات خود از آن عزیزان زینت بخشیده و تحت عنوان «رنندگان جرعه نوش» تقدیم نسل امروز و نسل های آینده نموده است.

او نوشت، تا با آن دسته از مردم که هنوز برای چگونه زیستن و چگونه مردن سردرگم هستند، حجت را تمام کرده باشد.

او نوشت، تا جوانان این مرز و بوم نه تنها دچار بی هویتی نشده، بلکه به دنیا هویت صادر کنند.

او نوشت، تا مردم بدانند جنگ تمام نشده و اگر آن روز، جنگ فیزیکی علیه اسلام بود، امروز جنگ فرهنگی است. گرچه اسلحه‌ها فرق کرده، اما مسئولیت‌ها فرق نکرده است.

او نوشت، تا جوانان امروز بدانند که جوانان دیروز چه کردند و بهایشان فقط بهشت بود.

او نوشت، تا آنان که شرف و بزرگی را از آن طرف آب می طلبند، خجالت بکشند. او نوشت، تا در جنگ فرهنگی کلمه به کلمه نوشته هایش، همچون گلوله‌های توپ و تانک عمل کند.

او نوشت، تا دشمنان بسوزند و دوستان شاد گردند. او نوشت تا در قیامت دچار گناه حبس خاطرات شهدا نباشد.

او نوشت، تا کسانی امروز و کسانی در آینده فکر نکنند این مملکت ارزان به دستشان رسیده است.

او نوشت، تا میراث خواران شهیدان آگاه شوند که پاری خون‌هایی گذاشته‌اند که تاوان سختی در پی آن است.

او نوشت تا میراث دار باشد و نه میراث خوار.

او نوشت، تا بدانند حسین جان ایرانمنش که بود. برادران ضیاء که بودند، عابدینی

و امینی و یوسف اللّٰهی چه کردند، علی آقا ماهانی که بود و سیدحسن موسوی که بود، عبداللّٰهی چه کرد، کازرونی که بود، علی شفیع‌ی که بود و جملگی رزمندگان و شهدا که بودند.

آری آن‌ها رندان جرعه نوشی بودند که ناگه با یک ترانه به منزل رسیدند و ما ماندیم. آنان به مقام وصل نایل شدند و از دست ساقی کوثر سیراب شدند و ما ماندیم و یاد آن‌ها. یاد روزهایی که در کنارشان بودیم، یاد فداکاری‌ها، زمزمه‌ی مناجات، یاد راز و نیازها و گریه‌های نیمه شب، و چه ارزشمند است این یادها و یاد بوده‌ها.

در پایان، شعر حافظ که بر زبان نویسنده و همه‌ی هم‌زمان آن دلدادگان و تمامی دل‌سوختگان جاری است، حسن ختام کلام ماست.

روز وصل دوستداران یاد باد	یاد باد آن روزگاران یاد باد
کامم از تلخی غم چون زهر گشت	بیاگ نوش شادخواران یاد باد
گرچه یاران فارغند از یاد من	از من ایشان را هزاران یاد باد
مبتلا گشتم در این دام بلا	کوشش آن حق گزاران یاد باد
گرچه صد رود است بر چشمم مدام	زنده رود باغ کاران یاد باد
راز حافظ بعد از این ناگفته ماند	ای دریسفا راز داران یاد باد

پاییز ۱۳۸۳، کرمان

محمد دانشی

«تذکر: در هنگام تصحیح سعی شده حتی المقدور سبک و نسیاق

نویسنده در نوشتن خاطرات حفظ شود»